

دروغ بزرگ شد
از دیلا جعل آذربایستانی ایران و کشورهای همجوار

سد وایت ماسکولا

ترجمه صمد علیرین (خواجه یحیی)



پروژه ترجمه و نشر

۱۳۹۸

سرشناسه

ماسکارلا، اسکار وایت. ۱۹۳۱ -

Muscarella, Oscar White

عنوان و نام پدید آور

دروغ بزرگ شد: ازدیاد جعل آثار باستانی ایران و کشورهای همجوار

اسکار وایت ماسکارلا ترجمه صمد علیون.

مشخصات نشر

تبریز: پروژه ترجمه حسلو، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری

ص: ۴۳۲

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۹-۳۶-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت

عنوان اصلی: The Lie Became Great: The forgery of Ancient Near Eastern Cultures, 2000

عنوان دیگر

ازدیاد جعل آثار باستانی ایران و کشورهای همجوار

موضوع

هنر باستان - خاورمیانه - جعل - قبرست‌ها

موضوع

آثار تاریخی - جعل - قبرست‌ها

موضوع

خاورمیانه - آثار تاریخی - جعل - قبرست‌ها

شناسه افزوده

علیون، صمد، ۱۳۵۹ -

رده‌بندی اثر

DS۵۶

رده‌بندی دیسک

۷۰۹/۳۹۴/۷۴۰۳۱۵۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۰۹۷۳۸

دروغ بزرگ شد: ازدیاد جعل آثار باستانی ایران و کشورهای همجوار

مؤلف: اسکار وایت ماسکارلا

ترجمه: صمد علیون (فواحه‌دیزج)

ویراستار ادبی: سیمین حسلو/رزینی

ناشر: پروژه ترجمه حسلو

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰۰ جلد

تعداد صفحه و قطع: ۴۳۲/وزیری

مروفپینی و صفحه‌آرایی: خدمات نشر جام زرین

چاپ: امین

صفافی: امین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۹-۳۶-۳

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ است.»

نشانی دفتر فروش و پخش:

تبریز: خیابان امام، بازار کیود، فاز ۱، طبقه همکف، پلاک ۴۸

تلفن: ۰۹۱۴۳۰۵۹۰۳۳۳۳ www.nashreprojeh.com



فهرست مطالب

۹	مقدمه مولف برای ترجمه فارسی
۱۷	مقدمه مترجم
۲۵	فصل اول مقدمه و مجادله: فرهنگ جعل
۶۷	فصل دوم کاتالوگ
۶۷	الف فرهنگ های ایرانی
۶۷	تاریک لاملش
۶۹	ظروف طلا و نقره
۸۴	اشیای دیرینه از ظروف
۸۵	شمال غرب ایران: خسنلو
۸۷	هنر هخامنشی
۸۸	نقش برجسته ها
۹۱	مجسمه های ابن
۹۳	تندیس های جانوری
۹۹	ظروف جانوری (»ریتون«)
۱۰۴	آمفورا با دسته های جانوری
۱۰۶	دسته های جانوری مجزا برای آمفورا
۱۰۷	بشقاب های دارای مدالیون مرکزی مزین
۱۱۰	بشقاب های مزین
۱۱۲	ظروف
۱۱۳	سردیس های جانوری
۱۱۵	سرغله های جانوری کامدار
۱۱۶	الگوها و بازوبندها
۱۲۰	قطعات مشبک و مدال ها
۱۲۲	آینه ها
۱۲۳	اشیای متفرقه
۱۲۷	هنر مادها
۱۳۲	زیویه و کاپلانتو/فیلانتو
۱۳۹	لرستان
۱۴۱	گروه زرّوان
۱۴۳	اشیای شبیه گروه زرّوان
۱۴۶	سنجاق های دیسکی
۱۵۱	پلاک های دایره
۱۵۳	تسمه ها و کمربندها
۱۵۷	ظروف و سایر اشیای مزین
۱۶۳	اشیای چهل تکه (حلق)

۱۶۷	ساغرهای نوک‌پستانی مزین و ظروفی با شمایل‌نگاری مشابه
۱۷۵	تندیس‌ها
۱۷۹	سنگ‌های مشبک
۱۸۰	اشیای مسما به درفش و سرعلم
۱۸۳	چانه‌بندهای اسب با نگاره‌های شمالی
۱۸۹	سلاح‌ها
۱۹۲	تیردان‌ها
۱۹۵	«ایران به طور عام»
۲۰۰	سرمه‌دان‌ها
۲۰۰	آینه‌ها
۲۰۲	تندیس‌ها
۲۰۶	اشیای طلای کوچک
۲۰۸	خال سیت ب
۲۰۹	هنر عیلام
۲۱۳	هنر سکاها
۲۱۵	ب) فرم‌کها، «اتاولی»
۲۱۵	حاجیلار
۲۲۳	گنجینه دوران
۲۲۴	چاتال‌هویوک
۲۲۶	پل‌دیی
۲۲۷	ماقبل‌هیتی، هیتی
۲۳۰	هنر اورارتو
۲۳۳	پلاک‌های گیملی
۲۴۵	اشیای متفرقه متناسب به «اتاولی»
۲۴۷	پ) بین‌النهرین
۲۴۷	سومر دوره سلسله‌های قدیم
۲۶۰	اشیای به سبک بین‌فرهنگی
۲۶۵	مجسمه‌های گوده‌آ
۲۶۸	هنر بابل
۲۷۰	هنر آشور
۲۸۷	ت) سوریه علیا
۲۹۴	ث) فنیقی، سوری، لوانتی
۳۰۴	ج) ساسانی
۳۳۵	کتابنامه
۳۳۰	کوته‌نوشت‌ها
۳۳۳	تصاویر
۴۶۵	ضمیمه انگلیسی «The Forgery Culture»

فرهنگ جعل

نگارش کتاب «دروغ بزرگ شد» زمان بسیار زیادی برده و ثمره سال‌ها تحقیق و پژوهش است. زمانی که در دانشگاه پسپا، دانشجوی باستان‌شناسی بودم، به یاد نمی‌آورم که چیزی در مورد آثار جعلی دانسته باشم. زیرا در کلاس‌های درس و به‌طور کلی در رشته باستان‌شناسی از آنها بحثی نمی‌شد؛ و بعدها که در سمت موزه‌دار در موزه بریترو این مشغول کار شدم، مدت‌ها طول کشید تا واژه جعل به گوشم بخورد. از این رو، در کسوت باستان‌شناس و به‌دور از دیدگاه‌ها، رشته‌هایم در حوزه باستان‌شناسی بدل شد. خلاصه‌ای که در سطور به بخش جدایی‌ناپذیری از دغدغه‌ها، رشته‌هایم در حوزه باستان‌شناسی بدل شد. خلاصه‌ای که در سطور پایین می‌آید نگاهی گذرا به همان اعضا است که تفصیل آن در کتاب دروغ بزرگ شد آمده است.

«ماه مه ۲۰۱۷»

جعل سبک‌ها و آثار هنری عهد باستان، تحقیقات و نتیجه‌گیری‌های حوزه باستان‌شناسی را به گمراهی می‌کشاند. چنانچه آثار جعلی به نام اصل پذیرفته شوند، معنی الحراف دروغین امروزی بر دنیای باستان تحمیل می‌شود که با اهداف باستان‌شناسی و تاریخ در تضاد است. لالان عتیقه (این عبارت ناظر بر فروشندگان عتیقه‌های غارت‌شده است) آثار جعلی را همواره به همراه آثار اصل می‌فروشند و ادعا می‌کنند هر دو گروه از این اشیاء متعلق به فلان محوطه یا منطقه‌اند و دهقانی حین بی‌ردن زرعه خود آنها را یافته است. علاوه بر دلالت، شمار زیادی از شهروندان از سطوح آکادمیک و اجتماعی مختلف، مدتاً کارمندان، موزه‌داران و مدیران موزه‌ها و اساتید دانشگاه، نیز عضوی از فرهنگ جعل هستند. با این حال، بسیاری از همکاران و دانشجویان ما هنوز از اقدامات گسترده و ویرانگر این فرهنگ آگاهی ندارند.

جعلیات در تمامی حوزه‌های هنری و هنرهای تزئینی و قدر مسلم در تمامی رشته‌هایی که متضمن گردآوری — از سوی موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی — هستند، وجود و رواج دارند. تمامی ارکان این جوامع گردآورنده، در واقعیت هم‌زیستی با جاعلان، گاه از روی سهو اما اغلب با کسانی که از نظر شغلی یا مالی از این قضیه نفع می‌برند، مشترک‌اند. صرف‌نظر از اینکه آثار گردآوری‌شده شامل هنر کدام دوره یا فرهنگ یا شامل اشیاء عمومی باشد، صرف‌نظر از اینکه فلان شیء تا چه حد از نظر برخی بی‌ارزش باشد، همان تجربه‌های فریب‌دهنده و همان مسائل وجود دارند. دلایل و علت‌های وجود، نمایش و وفور اشیاء جعلی به

همراه یک منشأ (محل کشف) ساختگی، دفاع‌های پژوهشی و شغلی و لاپوشانی‌ها، و معرفی شدن آنها در منابع به نام محصولات (گفته شده!) اصل در نشریات و کتب عمومی، موزه‌ای و علمی و پژوهشی، اساساً یکسان است. مسائل موجود توأمان شامل نادیده گرفتن عادی و ظاهرسازی و کلاهبرداری آگاهانه است تا به نام مجموعه‌دار برجسته یا موزه‌دار فعال بی‌پروا شناخته شوند. اشیای جعلی در بین اشیای ناهمگون متعلق به هر دوره و منطقه جغرافیایی، خواه هنر خاور نزدیک، یونان، روم، مصر، آسیا، آفریقای باستان و خواه قرون میانه و عصر حاضر، یافت می‌شوند. این موضوع در مورد هنر عصر جدید و همه «اشیای کلکسیون» صدق می‌کند؛ اعم از اثاثیه منزل، جواهرآلات، مسکوکات، بلورجات، ظروف، مجسمه، آلات موسیقی، بطری‌های شراب قدیمی، دفترچه‌های خاطرات (دفتر روزنامه)، نامه‌ها، نقشه‌ها و غیره. آثار جعلی را با هدف کلاهبرداری و با هدف فروش آنها می‌سازند. و آنها همیشه پرفروش‌ترین هستند، همیشه در ویرین‌های همه (!) موزه‌ها و مراکز علمی و اداری در اقصا نقاط عالم وجود دارند — به همین علت است که جاعلان و فرزندان آنها از شغل مادام‌عمر برخوردارند.

اکثر آثار جعلی در مراکز علمی قابل تشخیص‌اند، اما برخی جاعلان صنعتگران بسیار قابل هستند و هرگز نباید قابلیت‌های آنها را دست‌کم گرفت. بسیار می‌شنویم که دلال یا مجموعه‌دار یا موزه‌داری ادعا می‌کند که «هیچ جعلی نمی‌تواند این را بسازد». جاعلان همچنین تحقیقات جدید، به ویژه فناوری‌های علمی مرتبط با تشخیص جعلیات را رصد می‌کنند، و با دست‌کاری استادانه آنالیزهای ترمولومینسانس، دندروکرونولوژی (سن‌یابی از طریق حلقه‌های دند) درختان، نتایج آنها را با موفقیت تغییر می‌دهند. دلالان و مجموعه‌داران، دانشمندان فاسد (برخی مسلمان) «کارشناسان حفاظت و مرمت» را به خدمت خود می‌گیرند تا آزمایشات آنان را دست‌کاری و نتایج را به نحو دلخواه خود در بیاورند تا «اصالت» شیء مورد نظر تأیید شود و آن شیء به فروش برسد. و آنان در دفاع از اصالت اشیای جعلی خود می‌گویند: «کارشناس حفاظت و مرمت به من این‌طور گفت»؛ پس دیگر، کسی نمی‌تواند مدعی سودک آنان یا جعلی خریدارند، آنان تنها اشیای اصل می‌خرند. در نتیجه، باستان‌شناسان، پژوهندگان تاریخی هنر، انشجویان، موزه‌داران و مجموعه‌داران، قربانی فرهنگ جعل می‌شوند.

در خصوص آثار هنری باستانی ادعایی باید گفت: بدیهی است اشیای جعلی تنها در میان اشیای غارت‌شده‌ای وجود خواهد داشت که دلالان و حراج‌خانه‌هایی که اشیای جعلی را در راه اشیای اصلی چپاول‌شده از محوطه‌های نابودشده می‌فروشند، فروخته‌اند. اغلب، وقتی محوطه مهمی مورد چپاول واقع می‌شود و نامش را در سراسر دنیا در بوق و کرنا می‌کنند (از جمله، زیویه، غار کلماکره، یا چندین گورستان در نزدیکی جیرفت که همگی در ایران قرار دارند)؛ جاعلان نیز بدون فوت وقت جعلیاتی می‌سازند و مدعی می‌شوند به‌تازگی از فلان محوطه نامبرده پیدا شده‌اند. شکی نیست در میان آثاری که در تحقیقات و کاوش‌های باستان‌شناختی علمی کشف شده‌اند، اشیای جعلی وجود نخواهد داشت. البته گفتنی است در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، کارگران محلی شاغل در محوطه‌های باستانی عراق اشیایی را به دست خود می‌ساختند (اکثر این جعلیات از قرار معلوم اشیایی از جنس گل پخته بودند که روستاییان به راحتی در تنور

خانه‌های خود می‌بختند) و تظاهر می‌کردند آنها را در جریان کاوش محوطه کشف کرده‌اند؛ زیرا در آن زمان باستان‌شناسان به کارگران خود در ازای هر شینی که می‌یافتند انعام (= در زبان محلی، «بخشش») می‌دادند. هدف از این اقدام بازداشتن کارگران از سرقت و فروش آثار به دلالان بود. باستان‌شناسانی بی‌خبر از همه جا نیز این اشیاء را در گزارش نهایی کاوش‌های خود به نام کاوش شده از فلان محوطه آورده‌اند.

همه دلالان عتیقه به فروش آثار جعلی مبادرت می‌ورزند. بسیاری از آنها دانسته مرتکب این کار می‌شوند و بقیه نادانسته؛ اما مورد اول شیوع بیشتری دارد. همه دلالان خود را به صفت «خوش‌نام» متصف کرده‌اند و این صفت همواره در ارجاعات خودخوانده یا در ارجاعات موزه‌ها به کار می‌رود. همه آنها ادعا دارند در زمینه عتیقه‌هایی که می‌فروشند تخصص دارند و دلیل این ادعا آن است که هر روز با عتیقه‌های (ادعایی) سروکار دارند، همه چیز را درباره فرهنگ‌های باستان و اشیاء، «هنر» و تولیدات فرهنگی آنها «می‌دانند». همه آنها قائلند دلالان به مشتری را ازیر دارند و با چهره جدی می‌خورند: «من هرگز شیء جعلی نمی‌فروشم»، اما مشتاقانه «بی‌درنگ» نام دلالانی را که این کار را می‌کنند درگوشی می‌گویند. البته، بنده تنها به دو دلال برخورد کرده‌ام که فریب این شیء جعلی و اصل را می‌دانستند. و دلالان چندی را دیده‌ام که با مشاهده اشیای جعلی در مغازه خود، راحه شده، آن را از مغازه خود برداشته‌اند. یک دلال «خوش‌نام» خودخوانده همواره خود را چنین تبلیغ می‌کرد: «او در نوین‌های تجاری، صاحب‌نظر مطرح در زمینه جعلیات معرفی می‌کنند: در حقیقت، او، همانند همه هم‌زمان خود، اسباب جعلی فروخته است و همه آنها را نیز به همراه محل کشف و فرهنگ باستانی ادعایی. همه دلالان عتیقه منشأ بای دروغینی را خاستگاه ادعایی اقلام فروشی خود ذکر می‌کنند، خواه آن شیء اصل باشد و خواه جعلی. به زور مثال، نامه‌ای در تأیید وجود آن شیء در مجموعه یک خانواده قدیمی ایتالیایی، سوئسی یا آلمانی یا ادعایی دایر بر خریداری شده از سوی یک مجموعه‌دار اروپایی در سال ۱۹۳۸». در اغلب موارد این مجموعه‌داران قدیمی ادعایی وجود خارجی ندارند و ساختگی‌اند، و نامه‌های نوشته شده در (تأیید اصالت) اشیای جعلی نیز همین مورد. حداقل در یک مورد، یک کدپستی قدیمی روی پاکت نامه حاوی منشأ ساختگی وجود داشت. با این وصف، مواردی از انتساب منشأ جعلی به اشیای تازه‌ساز در دست داریم.

برخی دلالان فعالانه با جاعلان کار می‌کنند، چه از طریق سفارش ساخت اشیای جعلی و چه از راه خرید دایمی محصولات آنها. برخی از دلالان، کارگاه‌های خانوادگی [تولید عتیقه] (در ایران، مصر، ایتالیا و غیره) دارند. دلالان از ترفندهای اغفال‌کننده برای افزایش فروش خود بهره می‌برند. آنان توأمان اشیای اصل و جعلی را به موزه‌ها اهدا یا امانت می‌دهند تا تظاهر به مساعدت مدنی نمایند و برای مشتریان خود خودشیرینی کنند و برای اشیایی که دارند اعتبار و شهرت کسب کنند و در نهایت برای فروش آنها طرح بریزند. دلالان همچنین پژوهشگران و دانشمندان را اجیر می‌کنند تا اصالت اشیای جعلی آنان را گواهی کنند؛ گواهی‌نامه یا سخن این افراد در تأیید اشیای مورد نظر به یکی از ارکان اصلی بسته حراج آتی تبدیل می‌شود. آنان با پرداخت پول، از کارشناسان حفاظت و مرمت و آزمایشگاه‌های علمی فاسد گواهی‌نامه اصالت، بر مبنای تست و آنالیز بی‌طرفانه ادعایی — که البته اغلب ناقص انجام می‌شود — می‌خرند و آن را به نام سندی علمی که بی‌طرفانه

صادر شده است، ارائه می‌دهند. تجربه بنده نشان می‌دهد که این رفتار نادر نیست. یک دانشمند موزه نیز از این موضوع آگاه بود و دانسته‌هایش را با بنده در میان گذاشت. دلالتان در مورد گواهی اصالت صادرشده از سوی پژوهشگران نیز دروغ می‌گویند: در موردی که بنده در مورد یک شیء تنها گفته بودم که «این شیء جالب است» (و این حرف بنده مسلماً یک واقعیت است، زیرا همه آثار جعلی برای بنده جالب هستند)، گفته‌اند که بنده اصالت یک شیء جعلی را گواهی کرده‌ام.

حراج‌خانه‌ها و کارشناسان خبره آنها دقیقاً همانند دلالتان دیگر عمل می‌کنند. همه آنها اشیای جعلی را به نام اشیای اصل می‌فروشند و برخی همیشه اشیای جعلی را در حراج‌های عتیقه‌های (ادعایی) خود عرضه می‌کنند. دلالتانی هم هستند که اگر یک شیء جعلی در بین اموال خود پیدا کردند، آن را خودشان نمی‌فروشند بلکه به یک حراج‌خانه می‌دهند تا بفروشد و از این رهگذر، موضع خود را در عدم فروش اشیای جعلی به مشتریان حفظ می‌کنند. در این قبیل موارد، حراج‌خانه منشأ آن شیء را به صورت [خریداری شده] «از یک نجیب‌زاده، روبا» یا این شیء «در سال ۱۹۳۲ در سوئیس خریداری» شده بود ذکر می‌کند. این رفتار برای دلالتان و حراج‌خانه‌ها که جلودار دزدی تلقی می‌شود — هر دو طرف می‌توانند ادعا کنند که «با حسن نیت» رفتار کرده‌اند.

در مورد موزه‌ها، از راه تبیین و تربیت نادرست مستمر از سوی پژوهشگران و نویسندگان، و به واسطه هوچیگری مداوم موزه‌ها و دروغ‌های روزانه‌ها، محلی، شرطی شده‌ایم تا بپذیریم که هر شینی که یک موزه می‌خرد یا به آن اهدا می‌شود، برابر آنچه در برچسب آن قید شده، به صرف همین واقعیت، اصل‌اند. حقیقت این است که موزه‌های عمومی، خصوصی و دانشگاهی — بی‌استثنا در اروپا، ژاپن و ایالات متحده، جعلیات آثار باستانی (که در زبان موزه «آثار هنری» باستانی خوانا می‌شوند) در مجموعه‌های خود دارند و آنها را در ویرترین‌های خود نمایش می‌دهند. در حقیقت، رکن اصلی پیکره آثار باستانی «در تعداد زیادی از موزه‌ها (به ویژه در ایالات متحده) از جعلیات آثار هنری باستانی تشکیل شده است».

متصدیان عتیقه‌های موزه‌ها، الزاماً پژوهشگر نیستند؛ تعدادی که در حوزه ایران مشغول‌اند، قطعاً نیستند و برخی از موزه‌داران نیز تنها مدرک دانشگاهی کاردانی یا کارشناسی دارند. در برخی موزه‌ها، داشتن سبقت اجتماعی و نسبت با افراد متمکن، در سیاست‌های جذب کارکنان در تمامی بخش‌ها (به ویژه در بخش‌های عتیقه‌های آمریکایی و کلاسیک) از اهمیت بیشتری برخوردار است. بخش مهمی از شرح وظایف یک موزه‌دار، «توسعه دادن» مجموعه — از راه خرید اشیاء و دریافت هدایا از مجموعه‌داران متمول — است؛ همچنین باید تا سر حد جان از اصالت این خریده‌ها و هدایا دفاع کند تا اعتبار و وجهه موزه‌داران متمول خرید آنها و مدیران موزه‌ها و اهداکنندگان متمول حفظ شود. اما عکس این قضیه نیز صادق است: بنده موردی را شنیده‌ام که موزه‌دار یک موزه اقدام به پخش شایعه می‌کرد که شینی که موزه‌داری در دپارتمان دیگر (= دپارتمان مصر) همان موزه، خریده بود جعلی است — و دروغ می‌گفت. این موزه‌دار دروغ‌گو ناراحت بود، زیرا برادرش، که موزه‌دار موزه دیگری بود، مشتری همان شیء بود اما مناقصه را باخته بود و هر دو قصد انتقام‌جویی داشتند.

بنده همچنین از اولیم لو، پژوهشگر آلمانی، شنیده‌ام که از وی خواسته بودند تا مداخل [کاتالوگ] مربوط به تعدادی از جعلیات ساغرهای مارلیک (محوطه‌ای در ایران) را که به صورت امانی از سوی یک مجموعه‌دار ژاپنی در موزه هنر متروپلیتن بودند، بنویسد. لو پس از دیدن عکس‌هایی که برایش می‌فرستند (او ساکن آلمان است)، می‌گوید که نمی‌تواند این کار را بکند چون همه آنها جعلی هستند. موزه مزبور دو موزه‌دارش را به آلمان می‌فرستد تا وی را به نوشتن مداخل متقاعد کنند و پول خوبی به او پیشنهاد می‌دهند. او پیشنهادشان را رد می‌کند. و آن موزه پس از آن توانان یک پژوهشگر «مشتاق» و یک دانشمند فاسد را اجیر می‌کند تا آنها را به نام اشیای اصل معرفی کنند. آن دو این کار را می‌کنند و می‌نویسند که انحرافات و ایرادات فاحش موجود نشان می‌دهد این ساغرها از نمونه‌های کاوش شده در مارلیک «قدیمی‌تر» هستند. مسلماً آنها چند هزار سال جدیدتر بودند. طبق تخمین لو، ۵۰ درصد از کل ظروف کاوش نشده منتسب به مارلیک جعلی هستند.

یاری از کاتالوگ‌های نمایشگاه‌های موزه‌ها که به کوشش پژوهشگران تهیه و نوشته شده‌اند حاوی آثار جعلی‌اند. مسئولیت کامل و تأیید خریدهای تمامی آثار هنری و فرهنگی، شامل نمونه‌های جعلی، با مدیران موزه‌هاست، که آنها هم در این زمینه هنری خاص تخصص دارند — البته تا جایی که دانسته‌های بنده اجازه می‌دهد، در حوزه هنر باستان‌شناسی، برگزینا گفته پیدا است که مدیران نیز به شدت از اصالت همه اشیایی که می‌خرند و اکنون اشیای آنها و در ماکت‌ها آنها، دفاع می‌کنند. مصادیق بسیاری از این مورد وجود دارد، اما ذکر یکی در بحث حاضر کفایت می‌کند. یک موزه از پس از مشورت با بنده، به فکر برداشتن یک شیء جعلی از ویتترین موزه بود که مدیر موزه متوجه تقلب شده و می‌تواند به او گفت، مدیر موزه به شدت خشمگین شد و به موزه‌دار دستور داد آن را به همراه برچسب حاوی توضیح دروغین آن سر جایش برگرداند (تصویر آن شیء روی جلد نسخه انگلیسی کتاب دروغ بزرگ شد چاپ شده است). مدیر موزه آن را تطهیر داد و از آن اثری باستانی درست کرد. مدیران، با حمایت موزه‌داران خود همچنان اشیای را با علم به جعلی بودن آنها از مجموعه‌داران به امانت می‌پذیرند. مبنای منطقی این کار آن است که این کار بر اساس حسن نیت و به خاطر حفظ وجهه امانت‌دهندگان انجام می‌گیرد؛ و به خاطر جلوگیری از قطع امانت‌داری و اهدای آثار در آینده. آیین موزه ایجاب می‌کند که آثار جعلی اهدایی افراد ثروتمند که جعلی بودنشان محرز شده است، باید در موزه در معرض نمایش قرار گیرند و در برچسب‌ها به نام اثر باستانی اصل معرفی شوند (حداد و تارمانی که اهداکننده یا خانواده امانت‌دهنده در قید حیات است). مدیران موزه‌ها شاید در یک حوزه مشخصی از هنر متبحر باشند، اما آیین موزه ایجاب می‌کند که از همان روز اول انتصاب به این پست، خود را به متخصصان خودخوانده هنر در همه زمینه‌های آثار هنری موجود در موزه‌های خود مبدل سازند. این نکته مفروض (= جزو شرح وظایف آنان) است که هر آنچه آنان می‌خرند یا تحصیل می‌کنند، اصل و عالی است و البته از راه قانونی «با حسن نیت» تحصیل شده است. و توجه داشته باشید که دغل‌بازی و قیحانه در پوشش «وفاداری» به مدیر موزه، همکاری امین اموال، ولی نعمت یا دلالان، جزو شرح وظایف موزه‌ها در تمامی عرصه‌های موزه‌داری است.

اصلی‌ترین هدف مجموعه‌داران از خرید اشیاء، نمایش ثروت و قدرت «مالکیت آثار هنری» ملازم با آن است. هواهای نفسانی آنها، حداقل در مورد عتیقه‌ها، اغلب با زبان تجاوز به عنف بیان می‌شود؛ به طور مثال

(این حرف‌ها در حیطه واقع زده شده‌اند): «باید آن را به دست می‌آورد»، «اوشهوت عتیقه دارد»، «اگر آن را به من نفروشند، به روش خودم به چنگش می‌آورم». اکثر مجموعه‌های خصوصی عتیقه‌جات، حاوی اشیای جعلی‌اند. و وقتی مجموعه‌داران چیزهای خوششان را، که شامل اشیای جعلی است، به موزه‌ها هبه می‌کنند، از معافیت مالیاتی برخوردار می‌شوند. مجموعه‌داران نیز، همانند دلالان، کارشناسان حفاظت و مرمت را برای «گواهی اصالت» خریدهای خود، یعنی جعلیات تازه‌ساز، اجیر می‌کنند تا کسی نتواند ادعا کند اشیای جعلی خریده‌اند و از این راه، آنان را بی‌آبرو و بدنام سازد: آنان تنها اشیای اصل، یعنی «آثار هنری چپاول‌شده»، می‌خرند. به قول یک مجموعه‌دار، «کارشناس حفاظت و مرمت به من گفت» این شیء اصل است.

پژوهشگران نیز نقش مهمی دارند و منشأ خدمت برای فرهنگ جعل هستند، هر چند این کار را در موارد بسیاری ناآگاهانه انجام می‌دهند. بسیاری از افراد که دستی در مطالعه آثار باستانی دارند و اشیای جعلی را نیز به نام اشیای اصل در نوشته‌های خود معرفی می‌کنند، در حقیقت از وجود و تعداد اشیای جعلی بی‌خبرند (البته این رضعه‌خون در حال تغییر است). قدر مسلم، به گفته جرج اُرول، «برای دیدن چیزی که جلویی آدم قرار دارد، تقاضای مدرک است». دلایل اصلی این وضعیت اساساً ندیدن تعلیم و آموزش یا انجام ندادن تحقیق کافی است و این وضعیت کم‌کم ادامه خواهد یافت. مسائل مرتبط با جعل در مورد آثار هنری باستانی به‌ندرت در کلاس‌ها و سمینارهای باستان‌شناسی در دانشگاه‌ها به‌مترئه موضوع مهم و اساسی و در مقام یکی از ارکان اصلی معارف تاریخ هنر و باستان‌شناسی، تعلیم داده می‌شود و مورد بحث قرار می‌گیرد. بنده یک استاد باستان‌شناسی را می‌شناسم که در گردهمایی باستان‌شناسان، بحث از اشیای جعلی در ملاءعام را محکوم کرد؛ فرد دیگری در همان گروه می‌گفت که «خریدن اشیای جعلی بهتر از خریدن آثار چپاول‌شده است».

این چنین، بیشتر پژوهشگران مدرک دکتری باستان‌شناسی ندارند و کسانی که آنکه یک‌بار واژه اثر جعلی به گوششان خورده باشد (مثلاً خود بنده). تا جایی که اطلاعات بنده از دهه ۱۳۵۰ در گذشته تنها چند پژوهشگر انگشت‌شمار به مسئله آثار جعلی فراتر از حد مسائل سطحی و جنبی و به‌مثابه پرداخته‌اند؛ از جمله، آندره ویسن دوپرادن («دغل‌بازی‌ها در باستان‌شناسی پیش از تاریخ»، ۱۹۳۲)، اوئکر («اشیای جعلی»، RLA ج سوم: ۵-۹). و در دهه‌های اخیر در قیاس با گذشته، تعداد پژوهشگرانی که این موضوع پرداخته‌اند بیشتر است.

تنها یک فعالیت را که گاه‌آ از سوی اساتید و دیگر پژوهشگران لجباز یا ناآگاه (البته نه متقلب و حقه‌باز) و البته از سوی اهالی فرهنگ جعل (خریداران و فروشندگان) در مواجهه با جعلیات آثار هنری باستان به‌مثابه تفسیری پیچیده بیان می‌شود، ذکر می‌کنم. آنان اشیای جعلی را در واقع محصولی شهرستانی که به دست صنعتگری شهرستانی تولید شده است و به‌مثابه انحراف از سبک معیار یا به‌مثابه شینی متعلق به فرهنگی ناشناخته (که اینک برای اولین بار از آن رومایی می‌شود) معرفی می‌کنند. و برخی کسی را که می‌گوید «بر تن پادشاه عریان، لباسی نیست»، مورد استهزا قرار می‌دهند و حرف او را نمی‌پذیرند. موارد بیشتری از این قبیل وجود دارد. بنده دو مورد را شنیده‌ام که اساتید، دانشجویان را از معرفی و بحث از اشیای جعلی در کلاس و در

گزارش‌های خود منع کرده‌اند.

مسئولیت سردبیری و مدیریت نشریه‌های علمی- پژوهشی با پژوهشگران است که بسیاری از آنان نیز اساتید دانشگاه هستند. با این همه، طی دهه‌های متمادی، صدها شیء جعلی در این نشریات به نام آثار اصل معرفی شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ داوری مقاله یا وجود نداشته یا بی‌معنا بوده است. در مواردی ممکن است افرادی نشریه‌های علمی- پژوهشی را گول بزنند و از آنها در تطهیر و تبلیغ اشیای جعلی و فروشندگان آنها استفاده نمایند. این اتفاق در مورد مجله خبر مصور لندن، که زمانی ناشر مطرح و معتبر گزارش کاوش‌های علمی محوطه‌های باستانی بود، افتاده است. از این مجله برخی پژوهشگران حقه‌باز یا صرفاً ناآگاه، در معرفی اشیای جعلی سر برآورده از مغازه‌های دلالان (که البته نویسندگان مقالات ادعا داشتند به تازگی در آن یا بن النهرین از زیر خاک بیرون آمده‌اند) نیز استفاده کرده‌اند. در این مجله همچنین اشیای جعلی، حشر را به همراه منشأهای دروغین (که دلالان برای آنها دست‌وپا می‌کردند) به نام آثار کاوش‌شده معرفی کرده و سپس آنها را به موزه معروفی در شهر واشنگتن فروخته‌اند. تردید ندارم چنین رفتاری در نشریه‌های علمی پژوهش مرتبط با تاریخ هنر در سایر حوزه‌های تخصصی نیز شایع است.

بر این اساس، فریبگرایان ساخته و پرداخته و مسکن یک خانواده گسترده قدرتمند است: وصلت و همکاری نامشروع مدیران کهگیلانی موزه‌داران، امناء، مجموعه‌داران، دلالان و کارکنان حراج‌خانه‌ها و پژوهشگران ناآگاه یا فاسد. به این اهالی، هنک نمی‌توان استناد کرد یا اعتماد کرد که بی‌طرفانه و صادقانه در مورد اشیای جعلی اظهار نظر کنند. تصمیم‌گیری و اظهار نظر بی‌طرفانه در مورد اصالت آثار، به سال‌ها مطالعه و تماس عملی، تعمق و مطالعه مستمر روی «امر مرموز» — که در بحث از آثار هنری باستانی، همان اشیای به‌دست‌آمده در کاوش‌های علمی است — نیاز دارد. نه تنها بااعلان بلکه آنان که کمر به رسوا کردن آنها بسته‌اند، شغل مادام‌العمری دارند.

— مادامی که کسانی عتیقه گردآوری کنند، کسانی نیز به ساخت عتیقه جعلی مبارزه خواهند کرد، زیرا تقاضا برای عتیقه به حدی است که عتیقه‌های موجود کفاف نمی‌دهد. «اکارد اوکتر»

— ما شخص را باور نمی‌کنیم، شیء را باور می‌کنیم. «آندره ویسن دُپرادن»